



بررسی آینه در اندیشه مولانا و ابن عربی

دکتر احمد فروزانفر
دکتر شهلا خلیل اللهی
دانشگاه شاهد

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی موتیف آینه از نظر ابن عربی و مولانا است؛ مسأله اصلی این مقاله بررسی این موتیف در مثنوی مولانا و فصوص الحکم ابن عربی است، وجود تشابه بی نظیر در عقاید آن دو ضرورت این مقایسه فراهم آورده است. ابن عربی نقش آدمی را با یکی از صور خیال مورد علاقه اش، یعنی آینه، تبیین و دنبال می‌کند و با به کارگیری این تصویر در صدد توجیه سرّ «انعکاس حقیقت در آینه خیال» برمی‌آید. وی در این تصویر ظریف دو عامل را دخیل می‌داند، یکی آینه و دیگری ناظر یا شاهدهی که صورت خود را در آینه مشاهده می‌کند. انسان در این فرایند انعکاسی هم عامل حلقه اتصالی است و هم در شناسایی این انعکاس نقش دارد، پس هم نماینده آینه و هم عامل شیء مشهود است، ضمن این که آینه، نماد قابلیت و انعکاس‌پذیری ماهیت هستی و شیء مشهود است و شاهد هم خود الله است. از این رو، ابن عربی آدم را «عین اصل انعکاس» و «روح را صورت» [منعکس] توصیف می‌کند. مولانا نیز همانند ابن عربی مفتها با زیبایی سّاده تر با استفاده از پارادوکس این موضوع را بیان می‌کند و نیستی را آینه هستی می‌داند و ناقص را در مقابل کمال قرار می‌دهد و آن را آینه عزّو جلال می‌خواند. نتیجه بررسی اشعار مولانا در مثنوی نشان می‌دهد که بخشی از اشعار وی دارای مشترکاتی است که حاکی از نگرش خاص ابن عربی نسبت به خدا، انسان و جهان است.

واژه های کلیدی

مولانا، ابن عربی، آینه.



Abstract
Po
the com
Th
artist or t
become r
Th
direct ob
observati
Mathnavi
poetic tim

Key Word
Mo